

امکان‌سنجی توسعه مفهوم جرائم بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی با تأکید بر اصل توسعه پایدار

عسکر جلالیان

دانشیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹)

Feasibility Study of Developing the Concept of International Crime to Environmental Crime with Emphasis on the Principle of Sustainable Development

Askar Jalalian

Associate Professor of International Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Received: 2020.06.11

Accepted: 2020.10.20)

Abstract:

According to the preamble to the Statute of the International Criminal Court, international crimes are crimes that cause for concern the international community. Accordingly, four international crimes have been counted and specified in the statutes. This research, which is of analytical-descriptive type and with library-documentary method, seeks to provide a strategy for environmental protection. The environment is a common heritage of humanity, and almost all countries suffer as a result of the damage it suffers. Since the Rio 1992 Convention, which linked sustainable development to the environment, the importance of paying attention to the environment has increased. Consideration should be given to recognizing environmental crimes as international crimes so that the International Criminal Court can have jurisdiction over them.

This study seeks to answer the question that considering the principle of sustainable development and its necessities, how is it possible to criminalize environmental crimes in the category of international crimes? In other words, how is it possible to develop the concept of international crime into environmental crimes? And what is the relationship between sustainable development and the environment? Research findings indicate that according to several provisions of the Rome Statute of 1998, it is possible to develop the concept of international crime not only to environmental crime but also to other crimes, so in order to make it operational, research efforts must be paved and environmental protection Institutionalized.

Keywords: Environmental Education, International Crimes, Environmental Crimes, International Criminal Court, Environmental Law, International Environmental Law, Sustainable Development.

چکیده:

بر اساس آنچه در مقدمه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری آمده است جرائم بین‌المللی جرائمی هستند که موجب تشویش جامعه بین‌الملل می‌شوند. بر همین اساس چهار جرم بین‌المللی مورد احصاء قرار گرفته و در اساسنامه تصریح شده است. این پژوهش که از نوع تحلیلی-توصیفی و با روش کتابخانه‌ای-اسنادی است به دنبال ارائه راهبردی جهت حفظ محیط‌زیستی می‌باشد. محیط‌زیست میراث مشترک بشریت است و از آسیب‌هایی که متوجه آن می‌گردد تقریباً تمام کشورها به تبع آن آسیب می‌بینند. از کنوانسیون ریو ۱۹۹۲ که توسعه پایدار با محیط‌زیست گره‌خورده است اهمیت توجه به محیط‌زیست افزایش یافته است. باید تدبیری اندیشه شود که جرائم حوزه محیط‌زیست به عنوان جرائم بین‌المللی مورد شناسایی قرار گیرند تا به تبع آن دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که با عنایت به اصل توسعه پایدار و ضرورت‌های آن چگونه امکان جرم‌انگاری جرائم محیط‌زیستی در زمره جرائم بین‌المللی میسر است؟ و یا به تعبیری دیگر چگونه توسعه مفهوم جرم بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی متصور و ممکن است؟ و اینکه میان توسعه پایدار و محیط‌زیست چه تناسبی وجود دارد؟ یافته‌های تحقیق حاکی از این است که به استناد مفاد متعددی از اساسنامه رم ۱۹۹۸ امکان توسعه مفهوم جرم بین‌المللی نه تنها به جرم محیط‌زیستی بلکه به جرائم دیگر نیز وجود دارد لذا جهت عملیاتی شدن آن باید با تلاش‌های پژوهشی مسیر را هموار و حفظ محیط‌زیست را نهادینه کرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش محیط‌زیست، جرائم بین‌المللی، جرائم محیط‌زیستی، دیوان بین‌المللی کیفری، حقوق محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، توسعه پایدار.

*نویسنده مسئول: عسکر جلالیان

E-mail: dr_ajalalian@yahoo.com

*Corresponding Author: Askar Jalalian

مقدمه

است اما مبحث مهم ضرورت تحقق توسعه پایدار و ارتباط غیرقابل‌انکار آن با آموزش محیط‌زیست و ضرورت یک جرم انگاری بازدارنده در ذیل صلاحیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری، در قالب یک پژوهش راهبردی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در کمتر از یک سده اخیر حقوق بین‌الملل به صورت قابل‌ملاحظه‌ای تغییر کرده است، بنابراین لزوم تجدیدنظر در برخی از اصول اساسی این حقوق، به‌عنوان یک راه‌حل اساسی و واضح در تعیین، توسعه و حمایت هرچه بیشتر از آن، قابل توجه است. متأسفانه هنوز یک چارچوب مفهومی مستقل برای این دسته از قواعد حقوقی به وجود نیامده است و برای ایجاد نوعی سازش و تطابق منطقی، زبان سایر رشته‌های موجود، آن‌هم به صورت عاریتی، به کار گرفته شده است.

شایان ذکر است، مهم‌ترین چالشی که در عرصه حقوق بین‌الملل و در موضوعات متفاوت در این حوزه وجود دارد، فقدان سازوکارهای مناسب برای قانون‌گذاری عام است. انعقاد معاهدات چندجانبه، فرایندی طولانی و طاقت‌فرسا دارد و در نهایت کارکرد آنها در جهت تبدیل به یک قانون عام، بستگی به شمار دولت‌هایی دارد که معاهده مزبور را تصویب کرده‌اند. با توجه به مدت‌زمانی که دولت‌ها مطابق قوانین داخلی خود، برای تصویب این معاهدات نیاز دارند، به نظر می‌رسد در اجتماعی که متشکل از حدود ۲۰۰ کشور است، سودمندی و کارایی معاهدات چندجانبه پایین باشد. حقوق عرفی نیز، دست‌کم در معنای سنتی آن قادر به ایجاد قواعد عام‌الشمول برای واکنش سریع در قبال تغییرات و نیازهای موجود نمی‌باشد. به‌واقع، تعیین سازوکارهای مناسب برای تنظیم قواعد موردنیاز ضروری است. در اینجا باید گفت که این انتقاد بر شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد است؛ چراکه این رکن می‌تواند به‌موجب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، اقداماتی مبنی بر اعمال صلاحیت شبه قانون‌گذاری برای ایجاد قواعد عام به‌منظور پر کردن خلأهای موجود داشته باشد، اما از این امکان استفاده نکرده است.

شورای امنیت در عمل تنها به صدور چند قطعنامه محدود مانند قطعنامه ۱۳۷۳ و ۱۵۴۰ بسنده کرده است که قطعنامه اخیر نیز به دلیل خودسری‌هایی که در آن اتفاق افتاده، موردانتقاد کشورها واقع شده است. پس درواقع، فقدان یک نظام مرکزی و طبقه‌بندی‌شده از منابع در حقوق

محیط‌زیست به‌عنوان میراث مشترک بشریت حفظ و نگهداری آن نیاز به یک عزم فراملی دارد. در بسیاری از عرصه‌ها نه تنها نباید جرم‌زدایی و کاهش عناوین مجرمانه صورت پذیرد بلکه باید جرم انگاری شود و عناوین جدید مجرمانه احصاء و شناسایی شود. اکوسیستم‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی در وضعیت وخیم آلودگی قرار گرفته‌اند این نشانگر ورود خسارات غیرقابل‌جبران بر محیط‌زیست است. آنچه در دریای سیاه، در دریای مدیترانه و در دریای شاهد هستیم بیانگر خسارات غیرقابل‌جبرانی است که بر محیط‌زیست وارد می‌شود. خساراتی که به‌راحتی به‌تبع جرائم ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی اتفاق می‌افتد.

در ایران متأسفانه خسارت‌های محیط‌زیستی فراوانی شاهد هستیم علاوه بر آلودگی کشنده هوای تهران، می‌توان به پارک ملی گلستان از قدیمی‌ترین پارک‌های ملی جهان اشاره کرد که در سال ۱۹۷۷ به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌جهانی انتخاب شد ولی به دلیل ناکافی بودن حمایت‌های نهادهای داخلی و بین‌المللی بارها دچار حریق شد اثراتی فاجعه‌آمیز از قبیل افزایش خطر فرسایش خاک به دلیل از بین رفتن پوشش گیاهی، انقراض گونه‌های خاص حیات‌وحش و تغییر الگوی پراکنندگی آنان، کاهش مواد آلی خاک و درنهایت کاهش حجم آب سفره‌های زیرزمینی و ساده شدن چرخه مواد غذایی و آسیب‌پذیری را در پی داشته است. همچنین اثرات غیرقابل‌جبرانی بر فرایندهای کوتاه و بلندمدت اکولوژیک آن وارد آمده است (Droudian, 2006).

رویه قضایی محاکم بین‌المللی تصدیق دارد که جلوگیری از تخریب محیط‌زیست یکی از قواعد قابل توجه حقوق بین‌الملل عرفی است. در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست قدیمی‌ترین پرونده مربوط به پرونده داوری «تریل اسملتر» بین آمریکا و کانادا در ۱۹۲۸ و ۱۶ آوریل ۱۹۳۸ است (Trail Smelter, 1938).

در این پرونده «اصل مسئولیت بین‌المللی» نسبت به فعالیت‌های برون‌مرزی ناشی از آلودگی هوا که به خطرات جدی محیط‌زیستی منجر می‌شود به رسمیت شناخته شده است. (Communication No.67/1980, 1990)

طی دهه‌های اخیر، مطالعات و پژوهش‌های فراوانی در حوزه محیط‌زیست و ضرورت‌های حفاظت از آن صورت گرفته

بیش از این به تبیین آن پرداختن اطاله کلام است. در پژوهش حاضر که به دنبال ارائه راهبردی جهت حفظ محیط‌زیستی است و از نوع تحلیلی - توصیفی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی داده‌های آن جمع‌آوری گردیده است، تلاش بر این است که با ادله موردنیاز مفهوم جرم بین‌المللی را به جرم محیط‌زیستی توسعه داده شود و به این سؤال جدی پاسخ دهیم که با عنایت به اصل توسعه پایدار و ضرورت‌های آن چگونه امکان جرم‌انگاری جرائم محیط‌زیستی در زمره جرائم بین‌المللی میسر است؟ و یا به تعبیری دیگر چگونه توسعه مفهوم جرم بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی متصور و ممکن است؟ و اینکه میان توسعه پایدار و محیط‌زیست چه تناسبی وجود دارد؟ برای پاسخ به این ابهام‌ها و حصول نتیجه مطلوب ضروری است اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و وضعیت رایج رسیدگی به جرائم محیط‌زیستی مطالعه و وارسی گردد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد و داده‌های آن از روش کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده است. پس از طرح مسئله و تبیین فرضیات، داده‌های مدنظر متناسب با سؤال‌های پژوهش در اسناد ملی و بین‌المللی (اعم از فارسی و لاتین) جستجو، جمع‌آوری، جمع‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در توصیف و تحلیل داده‌ها به این سؤال‌های جدی پژوهش پاسخ داده شده است که با عنایت به اصل توسعه پایدار و ضرورت‌های آن چگونه امکان جرم‌انگاری جرائم محیط‌زیستی در زمره «جرائم بین‌المللی» میسر است؟ و یا به تعبیری دیگر چگونه توسعه مفهوم «جرم بین‌المللی» به «جرائم محیط‌زیستی» متصور و ممکن است؟ و اینکه میان توسعه پایدار و محیط‌زیست چه تناسبی وجود دارد؟ در تعاریف نوین از توسعه پایدار؛ توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌دانند که در آن حقوق نسل‌های آینده مراعات گردد به‌ویژه با نگاه محیط‌زیستی. با اقدام اخیر دیوان بین‌المللی کیفری در محاکمه تبعه کشور مالی به اتهام جرم محیط‌زیستی، مسیر شناسایی جرم محیط‌زیستی به‌عنوان یک جرم بین‌المللی را بسیار هموار

بین‌الملل، چالشی است که در این حوزه حقوقی برخلاف حقوق داخلی، مشاهده می‌شود (Jalalian, 2015).

در حال حاضر بخصوص کشورهای درحال توسعه، از سازوکارهای قانونی لازم‌الاجرا برای مقابله با فجایع محیط‌زیستی فرامرزی ناشی از عملکرد خود برخوردار نیستند. همچنین با توجه به کاربرد محدود توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری و سایر مراجع حل‌وفصل اختلافات ازجمله داوری اجباری و نیز موفقیت محدود در زمینه اجرای الزامات و قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در مقابل دولت‌های متخلف در سال‌های اخیر به شکل‌گیری نظرات و انتقاداتی در خصوص ایجاد مرجعی بین‌المللی در زمینه حقوق محیط‌زیست که قادر به اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا علیه دولت‌های ناقض و ملتزم کردن آنها به اجرای قوانین محیط‌زیستی باشد، منجر شده است (Roy Britt Robert, 2008). چنین دادگاهی که می‌تواند بر اساس انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی توسط دولت‌ها ایجاد شود، نیازمند متقاعد کردن زمامداران سیاسی دولت‌ها نسبت به دو نکته کلیدی است: نکته اول اینکه باید آنان را قانع کرد که دادگاه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجود قادر به حل اختلافات بین‌المللی محیط‌زیست نیستند. نکته دوم اینکه نه تنها دادگاه‌های موجود برای حل این اختلافات کافی نیستند بلکه نمی‌توانند عملکردی مؤثر و موردقبول دولت‌ها داشته باشند. این در حالی است که ایجاد دادگاه بین‌المللی جدید در کنار دادگاه‌های فعلی می‌تواند کمبودهای موجود را جبران نماید (Jalali, 2009).

توسعه پایدار مفهومی است که تمام کشورها در برنامه‌ریزی‌های خود آن را مدنظر دارند. صاحب‌نظران توسعه یکی از مهم‌ترین پارامترهای توسعه را مراعات محیط‌زیست می‌دانند (Jalalian, 2015). آنچه در اساسنامه رم ۱۹۹۸ آمده است مسیر را هموار می‌نماید تا جرائم محیط‌زیستی به‌عنوان جرائم مورد دغدغه و مورد حساسیت جامعه بین‌الملل شناسایی شود و این مقدمه خوبی است تا بتوان آنها را در زمره جرائم بین‌المللی احصاء کرد. اگر چنین شود رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار خواهد گرفت. با جرم‌انگاری جرائم محیط‌زیستی در عرصه بین‌الملل توسعه پایدار نهادینه خواهد شد و شاهد رعایت حقوق نسل‌های آینده خواهیم بود.

ضرورت این پژوهش آن قدر محسوس و ملموس است که

نمود که تفصیل این یافته‌ها در ادامه تقدیم حضور می‌گردد.

جرائم بین‌المللی محیط‌زیستی

شکل‌گیری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی نتیجه یک فکر قدیمی است که ریشه آن به بعد از جنگ جهانی دوم به دنبال تشکیل دادگاه‌های ادوهوک^۱ برمی‌گردد. در ۱۹۵۰، مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست کرد تا امکان ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی را به‌موازات وضع قوانین مربوط به جنایات ضد صلح و امنیت بشریت، مورد مطالعه قرار دهد؛ اما وجود جنگ سرد امکان رسیدن به چنین هدفی را نظیر زمینه‌های متعدد دیگر فراهم نساخت. می‌بایست تا ۱۹۸۹ منتظر می‌شد تا این طرح که ابتکار مجمع عمومی بود دوباره مطرح شود، طرحی که در ۱۹۹۳ برای کمیسیون حقوق بین‌الملل در اولویت قرار داشت. سال بعد، کمیسیون حقوق بین‌الملل کار مقدماتی خود را در مورد تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و وضع قوانین مربوط به جنایات، نزد مجمع عمومی مطرح ساخت. این دو امر در ارتباط با هم است، از این رو کمیته‌ها و کمیسیون‌ها فعالانه روی این طرح کار کردند؛ طرحی که به سرعت تحت تأثیر دادگاه‌های ویژه که برای حل بحران‌های یوگسلاوی و رواندا به‌موازات این امر تشکیل شده بود، متحول شد (Sorel, 2001).

در حقیقت سازمان ملل به علت رویارویی با فشار افکار عمومی و عقب‌نشینی به دلیل ناکامی‌های پیاپی، در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ طبق قطعنامه ۸۰۸ به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه افرادی که از سال ۱۹۹۱ به نقض شدید حقوق بشر بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق متهم بودند، اقدام کرد. در دنیای حقوق بین‌الملل نمی‌توان بی تفاوتی از کنار این امر گذشت. برای اولین بار از زمان ایجاد دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو، یک محکمه کیفری در سطح بین‌المللی تشکیل شده است. ولی این بار، هدف از تشکیل این دادگاه، محاکمه مجرمان جنگ به نام فاتحان نیست بلکه به نام جامعه بین‌الملل است که مسؤولیت جمعی تمام دولت‌هایی را که معتقد به حفظ امنیت جمعی بر اساس منشور ملل متحد هستند، در برمی‌گیرد. دیگر کسی مجرمان جنگ را در داخل یک کشور در خصوص جرایمی که بین‌المللی تعریف شده

است، محاکمه نمی‌کند اما دادگاه بین‌الملل مستقیماً از این تعاریف استفاده می‌کند. از این رو جهشی کیفی دیده می‌شود، گویی چارچوب محدود کشمکش در یوگسلاوی توانست بر تداوم چنین تجربه‌ای تردید بخشد (Sorel, 2001).

در ۱۹۹۴، متأسفانه نسل‌کشی در رواندا، فرصت را برای ازسرگیری سریع چنین تجربه‌ای همراه با ایجاد دادگاهی در شرایط یکسان طبق قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت در ۸ نوامبر ۱۹۹۴، فراهم آورد. یک اقدام بیهوده سبب شد تا دادگاه‌ها مجدداً طرحی را که به دلیل جنگ سرد مسکوت مانده بود، از سرگیرند و آن ایجاد دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی بود. فشار بین‌المللی (از طریق افکار عمومی یا سازمان‌های غیردولتی بانفوذ) دولت‌ها را نه همیشه به‌طور اختیاری به سوی چنین راه‌حلی سوق داد. در واقع از ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، قرارداد تشکیل چنین دادگاهی وجود داشته است. ثمر داشتن یا نداشتن این دادگاه در آینده نشان خواهد داد ولی آنچه به نظر می‌رسد این است که چنین دیوان کیفری بین‌المللی تنها می‌تواند بر پایه تجارب دادگاهی قبلی کار کند.

در آوریل ۱۹۹۸، کمیته مقدماتی کار خود را به پایان رساند و کنفرانسی جهت قبول اساسنامه «دیوان کیفری بین‌المللی» برگزار شد. این کنفرانس از ۱۵ الی ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در رم در مقر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^۲ برگزار شد که ۱۶۰ کشور عضو سازمان ملل، ۱۷ سازمان بین‌المللی، ۱۴ نهاد تخصصی و برنامه‌های مخصوص سازمان ملل و ۱۲۴ سازمان غیردولتی در آن شرکت داشتند. مذاکرات حول محور خاصی بود که می‌بایست تعدد شرکت‌کنندگان را در نظر می‌گرفت؛ آنچه به چشم می‌خورد حضور گسترده سازمان‌های غیردولتی بود^۳. که بر دولت‌ها فشار وارد می‌کنند، همچنین بعد سیاسی که همیشه به‌صورت غیرعلنی وجود دارد. از سوی دیگر، باید به نقشی که «دولت‌های پیشرو» در این طرح بازی کردند، اشاره کرد که عبارت‌اند از دولت‌هایی که اساساً اعضای اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند، (به جز فرانسه) به‌علاوه سوئیس، کرواسی، استرالیا، آفریقای جنوبی، مصر و سنگاپور طی مذاکرات اتحادیه اروپا یک پویایی

2. FAO

۳. باید متذکر شد که سازمان‌های غیردولتی یک لابی انجام دادند ولی در عین حال پیشنهادهای فنی معینی را نیز ارائه دادند (در مورد قربانیان، حمایت از امنیت شواهد خشونت‌های جنسی).

اساسنامه ۶۰ روز پس از شصتین تصویب به مرحله اجرا درخواهد آمد. عملکرد واقعی دیوان باید در آینده‌ای نه‌چندان نزدیک در نظر گرفته شود.^۳ همچنین باید تمایزی میان کمیت و کیفیت تصویب‌ها قائل شد. اگر ۶۰ مورد تصویب از میان کشورهای داشته باشیم که هیچ نقطه مشترکی برای به هم نزدیک شدن ندارند، قرارداد اجرا خواهد شد ولی قاطعیت آن با مشکل مواجه خواهد بود. در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰، ۱۳۹ کشور اساسنامه را امضاء و ۲۷ کشور آن را تصویب کردند.

یک کمیسیون مقدماتی جهت نگارش متن تشکیل شد: تنظیم آیین دادرسی و دلایل و تشریح عناصر تشکیل دهنده جرایم، نگارش این دو متن می‌بایست تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ به پایان می‌رسید زیرا کمیسیون تا ژوئن کار خود را به پایان رسانده بود و متون در نوامبر ۲۰۰۰ توزیع شد.

علی‌رغم تلاش کشورهای امثال هند، مکزیک، سریلانکا، ترینیداد و توباگو و کشور ترکیه فقط رسیدگی به چهار جرم در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب گردید. نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز جرمی هستند که مورد تصریح قرار گرفتند (Kittichaisaree, 2004).

دیوان بین‌المللی کیفری و محیط‌زیست

اهمیت مشکلات و مسائل مربوط به نقض تعهدات محیط‌زیستی در حقوق داخلی کمتر از حقوق بین‌الملل کیفری نیست. درحالی که قوانین داخلی کشورها بسیاری از «جنایات خفیه»^۴ را بدون جبران خسارت باقی می‌گذارد، جامعه بین‌المللی با ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس اساسنامه ۱۹۹۸ رم، سعی دارد این مشکل را تا حدودی از میان ببرد. در مورد قواعد محیط‌زیستی نیز وضعی مشابه نیز وجود دارد. جهت اجرای بین‌المللی این قواعد نیاز به همکاری بین‌المللی ضروری می‌نماید تا قواعد مذکور الزام‌آور و مؤثر بوده و جامعه جهانی با حداقل موارد نقض از طرف دولت‌ها یا سازمان‌های مختلف مواجه شود.

واقعی از خود نشان دادند - آنچه در مورد گروه عرب نیز صادق است - درحالی که غیر متعهدها در پایان مذاکرات به دلیل مصالحه نکردن هند که نمی‌خواست نقش مرکزی به شورای امنیت دهد، بر هم ریختند.

۱۷ ژوئیه، زمانی که طرح می‌بایست توسط همه پذیرفته شود، امریکا درخواست رأی‌گیری کرد نهایتاً کنفرانس، تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی را در ۱۷ ژوئیه با ۱۲۰ رأی موافق و ۷ رأی مخالف تصویب کرد^۱ و ۲۱ کشور از رأی دادن امتناع ورزیدند اساساً کشورهای عربی. این قرارداد که شامل اساسنامه دیوان، همچنین حکم نهایی کنفرانس دیپلماتیک است، پیشاپیش الحاق اکثریت دولت‌های عضو را دربردارد ولی این امر نباید سبب گمراهی شود. با وجود مخالفت امریکا و چین دو عضو دائم شورای امنیت که می‌توانند از حق وتوی خود متعاقباً استفاده کنند قبول حکم نهایی به معنای پذیرش قطعی و نهایی نیست.

اساسنامه نظیر تمام قراردادهای بزرگی که به خواست جهانی منعقد شده است باید تصویب شود. مهلت امضای آن تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ در مقر سازمان ملل در نیویورک است جایی که اساسنامه نزد دبیر کل سازمان ملل به ودیعه گذاشته شده است.^۲

فرانسه از ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۸ قرارداد را امضا کرد و به دلیل مخالفت احتمالی مسئولان سیاسی (رئیس‌جمهور، دولت و مجلس‌ها) با اساسنامه (و بنا بر تصمیم شورای قانون اساسی در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۰) به تغییر قانون اساسی خود جهت تصویب این قرارداد مبادرت ورزید (طبق روند ماده ۴۵ قانون اساسی) و بالاخره فرانسه اساسنامه را در ۹ ژوئن ۲۰۰۰ تصویب کرد.

خاطر نشان می‌سازیم که به طرز تناقض‌آمیزی متن قرارداد تا دسامبر ۱۹۹۸ موضوع مذاکره در خصوص برخی نکات نه‌چندان کوچک قرار گرفت. در حقیقت، محدود کردن مذاکرات در تاریخ معین، امکان تهیه کامل متن را فراهم نیاورد نتیجه می‌گیریم که دولت‌های امضاء کننده به تصویب متنی پرداختند که نهایی نبود از این رو مرحله تصویب مسلماً حیاتی خواهد بود (Sorel, 2001).

۳. کسانی که خوش‌بین‌تر هستند مدتی معادل ۲ تا ۴ سال را در نظر گرفته‌اند، گویی برخی از سازمان‌های غیردولتی نظیر سازمان عفو بین‌الملل آرزوی اخذ ۶۰ مورد تصویب را تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۰ داشتند تا دیوان بتواند در پایان قرن شروع به کار کند.

۱. ۷۰ رأی مخالف ثبت‌نشده است ولی احتمالاً بحرین، چین، امریکا، هند، اسرائیل، قطر و ویتنام بوده است
۲. دیوان کیفری بین‌المللی طبق آنچه در ماده ۲ اساسنامه ذکر شده است، در صورت توافق با سازمان ملل متحد در ارتباط است.

محیط‌زیست

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قوانین حقوق بشر، وظایف مشخصی را برای دولت‌ها تعیین کرده است تا هر زمان که افراد نظامی؛ چه ضمن عملیات یا خارج از عملیات نظامی، نسبت به افراد و یا محیط‌زیست نقضی را مرتکب شدند، محاکمه کنند. این تصریح در ماده ۴۹ نخستین کنوانسیون ژنو، ماده ۵۰ دومین کنوانسیون ژنو، ماده ۱۲۹ سومین کنوانسیون ژنو و ماده ۱۴۶ چهارمین کنوانسیون ژنو آمده است. در ماده ۲ و ۶ ICCPR و ماده ۶ کنوانسیون منع شکنجه نیز شاهد همین تصریح هستیم. در این ارتباط، کمیسیون حقیقت‌یاب گلدستون نسبت به اجرای قوانین بالا بر مبنای حقوق بین‌الملل بشردوستانه متعارف^۱، تقاضای محاکمه برای ناقضان حقوق بشر را در طول دوره فعالیت نظامی کرده است. بند ۲ ماده ۱۴۶ چهارمین کنوانسیون ژنو به نقض شدید یا وخیم حقوق بشر اشاره کرده و از دولت‌ها می‌خواهد که در خصوص افراد متهم که نقض حقوق بشر انجام داده‌اند یا دستوری برای نقض جدی حقوق بشر را صادر کرده‌اند، بدون توجه به ملیت آنها، برای محاکمه دستگیر کرده و در دادگاه‌های کشور خود محاکمه کنند. همچنین، وظیفه موازی برای رعایت حقوق بشر در ماده ۲ ICCPR دیده شده است که از دولت یا مسئولان دولتی می‌خواهد در سرزمین خود نسبت به رعایت حقوق افراد متعهد بوده و چنانچه حقوق فردی نقض شده است، نسبت به اصلاح و رفع نقض و پیشگیری نقض مجدد حقوق بشر اقدام کنند. عدم اجرای ماده ۲ منجر به خطای مستقیم شده و قابل پیگیری است. پرواضح است حق بر محیط‌زیست سالم که از حقوق بنیادین بشر است نیز مشمول این مواد است. موارد متعددی از نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف در سوابق حقوقی بین‌الملل وجود دارد، ولی در بررسی نوشتار قوانین از واژگان یا عباراتی استفاده شده است که زمینه را برای تفسیرهای مختلف و در نتیجه از دست رفتن فرصت برای محاکمه جدی خاطیان و ناقضان قوانین را فراهم کرده است. برای مثال، در بند ۲ ماده ۱۴۶ چهارمین کنفرانس ژنو، عنوان می‌شود که:

«هر یک از اعضاء موظف به تعقیب و جستجوی افرادی هستند که باید عودت داده شوند و همچنین موظف به عودت افرادی

در حالی که جرائم جدید تحت عنوان «جرائم بین‌المللی محیط‌زیستی» در حال شکل‌گیری است، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که صلاحیت دیوان را رسیدگی به «جرائم بسیار مهم بین‌المللی» دانسته است، جرائم محیط‌زیستی را صریحاً در صلاحیت دیوان قرار نداده است. بعلاوه بر اساس «اصل قانونی بودن جرائم» که در ماده ۲۲ اساسنامه دیوان آمده است، دیوان در ارتباط با جرائم محیط‌زیستی در صورتی صلاحیت خواهد داشت که اساسنامه آن اصلاح و از جرائم محیط‌زیستی نیز در آن صراحتاً تعریفی به عمل آید. البته اگر جرائم محیط‌زیستی در چارچوب مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم قرار گیرد، ممکن است جرائم علیه بشریت یا جرائم جنگی تلقی شوند. همچنین این مشکل می‌تواند با تصویب «پیش‌نویس کنوانسیون کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها» حل شود. پیش‌نویس تهیه شده نشان‌دهنده حرکت جامعه بین‌المللی از مفهوم «مسئولیت دوجانبه» به مفهوم عام‌تر از مسئولیت یعنی «مسئولیت در برابر جامعه جهانی» در مسائلی چون حقوق بنیادین بشر از جمله حق بر محیط‌زیست سالم است که برای دولت‌ها تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد لذا نقض آن، مسئولیت بین‌المللی به همراه دارد (Jalali, 2009). بر اساس آنچه در اساسنامه رم تصریح شده جرائم بین‌المللی رفتارهایی هستند که در حقوق داخلی کشورها به عنوان عمل مجرمانه شناسایی شده‌اند، تأیید جهانی بر مجرمانه بودن آنها وجود دارد، برای جامعه جهانی حاد و نگران‌کننده و بنا بر دلایلی رسیدگی به آنها را نم‌توان به یک دولت واگذار کرد و این چهار خصوصیت قابل‌تعمیم به رفتارهای مجرمانه در حوزه محیط‌زیست می‌باشند اما متأسفانه اسناد بین‌الملل این وضوح را مورد شناسایی قرار نداده‌اند. دیوان بین‌المللی کیفری در اقدامی شاید غیرمنتظره سال ۲۰۱۶ اعلام داشت جرائمی که منجر به تخریب محیط‌زیست بشود را نیز در اولویت رسیدگی قرار خواهد داد. این اقدام گرچه رسماً توسعه صلاحیت نیست اما در قالب جرائم علیه بشریت قابل تفسیرند و جرائم علیه بشریت را می‌توان در بستر و زمینه موسع‌تری تفسیر، ارزیابی و تعقیب نمود. این اقدام را باید به فال نیک گرفت.^۱

خلاهای موجود در حقوق بین‌الملل کیفری

۱. جهت اطلاعات تکمیلی مراجعه شود:

جان ویدال، اون بوکات، روزنامه گاردین، پانزدهم سپتامبر ۲۰۱۶.

تحقیقات و تهیه گزارش‌ها تعریف شده و متخصصان بی‌طرف برای انجام این امور به کار گرفته شوند. مرجع تعیین‌کننده بی‌طرفی گزارش‌گران، محققان و متخصصان نیز باید تعریف شده و اصولی برای آن تعیین شود. از طرف دیگر ضروری است که ابزار، معیار یا روشی برای ارزیابی گزارش‌های تهیه شده توسط دولت‌های دیگر در فعالیت نظامی یا سایر مراجع غیردولتی و بین‌المللی تعریف شود، برای مثال، روش‌شناسی انجام تحقیق، استانداردهای به کار گرفته شده مستندات و حقایق قبل، ضمن و پس از فعالیت نظامی، درجه بی‌طرفی به کار گرفته شده، مقدار استقلال تهیه‌کنندگان گزارش، وابستگی آنها، مراجع به کار گرفته شده و دقت و سرعت عمل اجرایشده (Human Rights Council, 2009). اینها همه موضوعاتی است که باید به صورت جدی مورد اهتمام قرار گیرند. بر همین اساس است که کمیته حقیقت‌یاب در جنگ ۲۲ روزه غزه در سال ۲۰۰۹ با توجه به مجموعه مشاهدات، مستندات و بررسی گزارش‌ها، در پاراگراف ۱۸۳۲ گزارش خود اظهار می‌دارد که نسبت به انجام تحقیقات دقیق منطبق با اصول و قوانین بین‌الملل از سوی رژیم اشغالگر قدس قانع نشده و این نظر را دارد که نظام قضایی داخلی اسرائیل منتج به رأی عادلانه در دعوی مرتبط با فلسطینیان نخواهد شد. بر همین مبنای، در مورخ ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹، اطلاعیه دولت فلسطینی مبنی بر صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری برای بررسی دعوی فلسطینیان واصل و طرح دعوی اقامه شده است؛ بنابراین بر اساس پاراگراف ۱۸۳۴ گزارش کمیته حقیقت‌یاب، با استناد به موارد زیر نسبت به اینکه فلسطین را به‌عنوان یک دولت در نظر بگیرند، اعلام نظر می‌کند (Jalalian, 2012).

کم‌توجهی محاکم به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

نخستین مسئله‌ای که توسط حامیان ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست مطرح گردیده این است که دادگاه‌ها و مراجع قضایی موجود نسبت به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حساسیت و توجه کافی ندارند. به بیان دیگر جامعه جهانی به قضاتی نیاز دارد که به‌طور خاص در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست آموزش دیده و در دادگاه‌های تخصصی و مستقل بر مسند قضاوت نشسته باشند. البته طرفداران این نظریه، به این مطلب توجه دارند که دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۷ در قضیه گابچیکوو ناگیماروس، استدلال مجارستان

هستند که دستور عودت آنها صادر شده است...»^۱ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این عبارت از واژه shall استفاده شده است که در زبان نوشتاری انگلیسی وزن زیادی نداشته و تأکید مازادی نسبت به واژه‌هایی همچون (is obliged to are obliged to), has to (have to) و Must ندارد. مضافاً، استفاده از واژه grave به‌عنوان مقیاسی از ابعاد فاجعه واژه‌ای کیفی است و هیچ‌گونه سازوکاری برای تعریف ابعاد فاجعه در شرایط مختلف عملیات نظامی، به‌ویژه در خصوص نقض حقوق محیط‌زیست یا مصداقی برای آن ارائه نشده است. چنین زبان نوشتاری، زمینه را برای ایجاد تأخیرها و کارشکنی‌ها در اجرای قوانین بین‌الملل فراهم ساخته، هزینه‌های حقوقی را بالا برده و معمولاً نتیجه انضباطی مطلوب را فراهم نمی‌سازد (Jalalian, 2015)؛ زیرا مفهوم رفتارهای مجرمانه بین‌المللی به رفتارهای مجرمانه محیط‌زیستی توسعه داده نشده است.

بر همین اساس، به نظر می‌رسد که تشکیل دادگاه مستقلی که بتواند با استقلال رأی، سرعت عمل کافی و کارآمدی تخصصی در ارتباط با جرائم و نقض حقوق بشر و محیط‌زیست قابلیت اجرایی داشته، ضروری است. در قوانین بین‌الملل به‌طور مؤکد آمده است که گروه‌های حقیقت‌یاب و گزارشگر چگونه باید اصول مطمئن و از پیش تعیین شده‌ای را که به تأیید کشورهای امضاکننده کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی رسیده است، مانند اصول جهان‌شمول استقلال، مؤثر بودن، سرعت عمل و بی‌طرفی را رعایت کنند. این اصول در پیوست ق‌طعنامه‌های شورای اقتصادی اجتماعی (۱۹۸۹، ۶۵) (Economic and Social Council Resolution, (General Assembly (۸۹، ۵۵) و (1989) Resolution, 1989) مورد تأکید قرار گرفته است. ارائه گزارش‌های نظامی از قبل طراحی شده نمی‌تواند روش درستی برای جمع‌آوری مدارک و شواهد به‌منظور ارائه در دادگاه باشد. به همین دلیل، ضروری است پیش‌بینی لازم در اسرع وقت در ضمن فعالیت‌های نظامی یا بلافاصله پس از آن صورت گرفته و نقشه راه مناسب و مفید بر مبنای موازین حقوق بین‌الملل برای کمیته حقیقت‌یاب، نوع اسناد، مدارک و نحوه انجام

1. Each high contracting party shall be under obligation to search for persons alleged to have committed, or to have ordered to be committed, such grave breaches, and shall bring such persons

نکند بلکه آن را تشدید نیز بنماید. اصولاً در هر اختلاف محیط‌زیستی رسیدگی قضایی به نفع یکی از طرفین (مثل مجارستان) و علیه طرف دیگر (مثل اسلواکی) است. مثلاً اگر چنین دادگاه محیط‌زیستی بین‌المللی وجود داشت، شاید مجارستان تمایل به اقامه دعوی در آن دادگاه را داشت و در مقابل اسلواکی نداشت؛ بنابراین اگر برای دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست «صلاحیت اجباری» در نظر گرفته شود، ممکن است در خصوص اقامه دعوی در آن دادگاه، بین کشورها توافقی حاصل نشود.

سوم اینکه، ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست به‌منظور جبران نارسایی‌های دادگاه‌های موجود الزاماً جایگاه و نقش حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را در نظام حقوقی بین‌المللی به‌طور کامل مشخص نخواهد کرد. شاید فقط اندکی از اختلافات را می‌توان یافت که منحصرأ در زمینه محیط‌زیست است و در حقیقت چنین «اختلافات انحصاری» وجود ندارد و موضوعات و مسائلی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، مالکیت معنوی و موضوعات مختلف دیگر نیز در این پرونده‌ها وجود دارد. البته سیستم بین‌المللی نیاز به افزایش دادگاه‌های بین‌المللی در هر یک از این زمینه‌های حقوقی به‌طور خاص و جداگانه ندارد. با این حال، شاید تخصصی شدن مسائل محیط‌زیستی یکی از عوامل ناکارآمدی مراجع با صلاحیت عام فعلی است (Jalali, 2009).

محدودیت صلاحیت دادگاه‌های موجود

دومین مسئله‌ای که از جانب طرفداران ایجاد دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست مطرح شده این است که دادگاه‌های موجود به دلیل محدود بودن صلاحیتشان نمی‌توانند به‌طور مؤثر به دعاوی محیط‌زیستی رسیدگی نمایند و در این خصوص به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه شیلات بین اسپانیا و کانادا در دسامبر ۱۹۹۸ اشاره می‌کنند. در این پرونده اسپانیا مدعی بود که کانادا حقوق بین‌الملل را نقض کرده است.

اطاله دادرسی در مراجع قضایی موجود

سومین مسئله‌ای که از جانب حامیان تأسیس دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست در مورد عدم کفایت دادگاه‌های فعلی مطرح می‌شود این است که این دادگاه‌ها در رسیدگی به پرونده‌ها کند عمل می‌کنند و اقامه دعوی در آنها از طرف هیچ‌کس به جز دولت‌ها مجاز نمی‌باشد. البته این ادعا در تمام موارد منصفانه نیست. به‌عنوان نمونه بر اساس مقررات حاکم بر

دال بر عدم اجرای تعهدات قراردادی مربوط به خسارات محیط‌زیستی را رد کرد (<http://www.icj.org>). همچنین آن دیوان در ۸ جولای سال ۱۹۹۶ استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را با وجود حجم گسترده خسارات محیط‌زیستی‌ای که در صورت استفاده از آنها پدید خواهد آورد، غیرقانونی ندانست (http://www.icj_cij.org). ایرادات مشابهی نیز ممکن است نسبت به آراء سازمان تجارت جهانی، مرکز ایکسید و حتی دیوان دادگستری اروپایی که بیشتر در راستای منافع تجاری و سرمایه‌گذاری تأسیس شده‌اند و به‌اندازه کافی به دنبال حمایت از محیط‌زیست نیستند، مطرح شود.

در این خصوص باید به سه نکته اساسی توجه شود: اول اینکه آیا اگر دادگاه‌های بین‌المللی موجود به‌اندازه کافی نسبت به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حساس و دقیق نیستند، ایجاد چنین دادگاهی مؤثرترین و کارآمدترین روش برای توجه دادن و حساس کردن و با اهمیت کردن آن برای جامعه بین‌المللی است؟ رقیب این دادگاه احتمالی دیوان بین‌المللی دادگستری است. دیوان مرجعی مرکب از حقوقدانانی است که از لحاظ حقوقی به‌صورت حرفه‌ای آموزش‌دیده‌اند. در نتیجه همان‌طور که اشاره شد، در ماه ژوئیه ۱۹۹۳ دیوان بین‌المللی دادگستری شعبه‌ای دائمی به نام «شعبه مربوط به مسائل محیط‌زیستی»^۱ تأسیس کرد که متشکل از ۷ قاضی است (Murphy, 1994). دیوان اعلام کرد که این شعبه را با در نظر گرفتن توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در سال‌های اخیر و به‌منظور بررسی پرونده‌های محیط‌زیستی که در چهارچوب صلاحیت دیوان به آن ارجاع داده می‌شود، تأسیس کرده است. این شعبه بر اساس ماده ۲۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و مواد ۱۶ و ۱۸ آیین دادرسی آن ایجاد شده است. تاکنون هیچ کشوری به دعوت این دادگاه مبنی بر ارجاع پرونده‌های محیط‌زیستی به این شعبه، پاسخ مثبت نداده است. بر اساس اصول و قوانین موجود، هرگاه نسبت به دقت یا غفلت قضات دیوان یا توانایی در رسیدگی به اختلافات محیط‌زیستی تردید و نگرانی وجود داشته باشد، طرفین دعوا می‌توانند از دادگاه تقاضای ارجاع اختلاف به این شعبه را بنمایند. دوم اینکه، باید توجه کرد که ایجاد یک دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست بی‌تجربه نسبت به دادگاه‌های با تجربه فعلی ممکن است مشکلات را حل

محیط‌زیستی تسری باید به راحتی رسیدگی به این گونه جرائم در صلاحیت محکمه بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرد و به نهادینه شدن محیط‌زیست کمک شایانی خواهد کرد.

گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جرایم محیط‌زیستی به تبع توسعه مفهوم جرم بین‌المللی

آنچه در مباحث قبل بیان گردید ضرورت توسعه مفهوم رفتارهای مجرمانه بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی را بیشتر تبیین نمود. برخی از تصمیمات و اقدامات دیوان بین‌الملل کیفری به تسهیل این توسعه کمک شایانی می‌نماید. دیوان بین‌المللی کیفری پیرو تصمیمی که به منظور گسترش صلاحیت خود در مواجهه با تخریب محیط‌زیستی و زمین‌خواری گرفته است نتایج ملموسی را رقم زده است. با ربط دادن زمین‌خواری که با تخریب محیط‌زیست (تخریب جنگل) صورت می‌پذیرد می‌توان در لوای جرائم علیه بشریت، اقدام کرد.

دیوان تاکنون به دلیل بی‌میلی خود در رسیدگی به جرایم بزرگ محیط‌زیستی و فرهنگی که اغلب در زمان غیر از جنگ اتفاق می‌افتد مورد انتقاد قرار گرفته است. لذا مدام در اندیشه تیرئه خود بوده و تلاش کرده برای این خلأ تدبیری اندیشه نماید.

در یک تغییر در کانون تلاش‌هایش، دیوان در سپتامبر ۲۰۱۶ اعلام داشت که جرایمی را که منجر به «تخریب محیط‌زیست»، «استثمار منابع طبیعی» و «تصرف غیرقانونی زمین» گردند در اولویت قرار می‌دهد. این اعلام در بردارنده ارجاع صریحی به زمین‌خواری نیز بود. با آنکه دیوان به‌طور رسمی صلاحیت خود را گسترش نداده است، اما بیان داشت که جرایم جدید را مانند جرایم علیه بشریت، در بستر و زمینه گسترده‌تری ارزیابی، تفسیر و تعقیب خواهد کرد.

«سند خط‌مشی راجع به گزینش پرونده و اولویت‌دهی» دیوان اعلام می‌کند: «دادستان توجه ویژه‌ای به تعقیب کردن آن جرایم اساسنامه رم معطوف خواهد داشت که با استفاده از از جمله تخریب محیط‌زیست، بهره‌کشی غیرقانونی منابع طبیعی یا تصرف غیرقانونی زمین ارتکاب یافته باشند یا منتج به آنها شده باشند».

زمین‌خواری در سرتاسر جهان به‌طور فزاینده‌ای به واسطه تخصیص ده‌ها میلیون هکتار زمین در ۱۰ سال گذشته به شرکت‌های خصوصی از سوی حکومت‌های ملی و محلی عمومیت یافته است.

دیوان بین‌المللی حقوق دریاها وقتی دولتی یک کشتی خارجی را توقیف می‌نماید، ۱۰ روز پس از اینکه دولت شاکی درخواست تشکیل پرونده نماید، دیوان باید جلسه رسیدگی شفاهی را تشکیل دهد. بعلاوه حکم دیوان باید ۱۰ روز پس از اتمام جلسه رسیدگی شفاهی صادر شود. جداول زمانی نسبتاً فشرده است و وضعیت مشابه برای حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی نیز موجود است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در کند بودن رسیدگی به پرونده‌ها شهرت دارد. روند آهسته رسیدگی دیوان بعضاً ناشی از خود طرفین است که تمایل به ثبت لوایح مختلف مربوط به دعاوی‌شان را ندارند.

در رابطه با اقامه دعوی توسط نهادهای غیردولتی، اکنون در مراجعی چون دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، مرکز ایکسید و دیوان دادگستری اروپایی مؤسسات غیردولتی هم می‌توانند اقامه دعوی نمایند. اگر حقوق بین‌الملل در جامعه جهانی به قدری توسعه یابد که به دنبال ایجاد دادگاه جهانی محیط‌زیست باشد به نحوی که ارگان‌های غیردولتی نیز بتوانند در آن اقامه دعوی کنند، باید اسناد تأسیس دادگاه‌ها و مراجع موجود نیز در چنین راستایی اصلاح شود. گرچه تغییر در قوانین حاکم بر دیوان بین‌المللی کیفری به راحتی صورت نمی‌گیرد ولی در مقابل باید اذعان نمود که ایجاد یک دادگاه کاملاً جدید بین‌المللی محیط‌زیست نیز شدنی نیست؛ اما تحقق این امر به توسعه حقوق محیط‌زیست و نهادینه شدن آن کمک شایانی می‌نماید.

عدم اعتماد به محاکم داخلی

در نهایت ممکن است کسی بر این اساس که دادگاه‌های داخلی به دلیل مشکلات مربوط به روند دادرسی و یا عدم رعایت بی‌طرفی، نمی‌توانند به مشکلات محیط‌زیستی بین‌المللی رسیدگی کنند، ایراد وارد نماید. البته نباید فراموش کرد که حتی با وجود چنین مشکلاتی، دادگاه‌های داخلی ابزار بسیار مهم برای تکوین حقوق از جمله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بوده و خواهند بود. در تعریف جرم بین‌المللی تصریح شده که این جرم بنا بر دلایلی رسیدگی به آن نمی‌تواند در انحصار و صلاحیت یک دولت قرار داد. عمدتاً رفتارهای مجرمانه محیط‌زیستی در عرصه بین‌الملل از این قبیل هستند و واگذاری رسیدگی به آنها را نمی‌توان به محاکم داخلی واگذار کرد. اگر توسعه مدنظر در مفهوم جرم بین‌المللی به جرایم

CO₂ از جنگل‌زدایی در نتیجه زمین‌خواری به وجود می‌آید. دیوان وقتی می‌تواند اقدام کند که جرم مزبور در قلمروی هریک از ۱۲۴ کشور تصویب‌کننده اساسنامه رم رخ دهد و یا اگر مرتکب تبعه یکی از این کشورها باشد و یا اگر شورای امنیت سازمان ملل قضیه را به دیوان ارجاع دهد. جرایم بایستی بعد از اول جولای ۲۰۰۲ (اول شهریور ۱۳۸۱) یعنی بعد از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رم اتفاق افتاده باشند. «رینهولد گولمتزر»^۲ از اعضای کارگروه تنظیم‌کننده سند خط‌مشی دیوان، اعلام داشت: «ما صلاحیت خود را با نگاه کردن به زمینه وسیع از جرایم ارتكابی اعمال می‌کنیم. ما تمرکز و کانون فعالیت خود را گسترش می‌دهیم تا جرایمی که پیش‌ازین در صلاحیت‌مان بوده است را در برگیرد».

«جابه‌جایی اجباری [افراد] در حال حاضر می‌تواند جرم علیه بشریت باشد، بنابراین - چه در نتیجه یا متعاقب- زمین‌خواری رخ دهند می‌تواند مشمول صلاحیت دیوان گردد» (Vidal, John; And Bukat, Owen, 2016). به‌تبع اتفاقات ارزشمند فوق‌الذکر، در سال ۲۰۱۶ دیوان بین‌المللی کیفری با توسعه مفهوم جرائم جنگی به جرائم محیط‌زیستی و یا به تعبیری دیگر با شناسایی جرائم محیط‌زیستی در ذیل جرائم جنگی، یک نفر شبه‌نظامی تبعه کشور مالی بنام احمد الفاقی المهدی را به اتهام تخریب آثار تاریخی فرهنگی مسلمانان تفهیم اتهام نمود و نهایتاً او را به ۹ سال حبس محکوم کرد. این اقدام نیز گرچه شناسایی رسمی توسعه صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری محسوب نمی‌گردد اما گام ارزشمندی است تا با اصلاح اساسنامه رم، رسماً صلاحیت دیوان به این‌گونه جرائم مورد شناسایی قرار گیرد. آموزش محیط‌زیست در ضرورت‌های حفظ آثار فرهنگی، حفاظت از محیط‌زیست را نهادینه خواهد کرد.^۳ آموزش محیط‌زیست در ضرورت‌های حفظ آثار فرهنگی، حفاظت از محیط‌زیست را نهادینه خواهد کرد.

توسعه پایدار در گرو محیط‌زیست پایدار

توسعه پایدار یعنی توسعه همه‌جانبه. توسعه پایدار یعنی توسعه‌ای که در آن حقوق نسل‌های آینده نیز مراعات گردد؛ یعنی توسعه‌ای که در آن توأمان حقوق نسل‌های امروز و فردا

فعالان ضد فساد در سازمان «شاهد جهانی» می‌گویند این امر منجر به بیرون راندن‌های اجباری گسترده، نابودسازی فرهنگی مردم بومی، سوء‌تغذیه و تخریب محیط‌زیستی شده است. آلیس هریسان، مشاور در «شاهد جهانی»، گفت: «اعلان امروز باید هشدار به مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بفرستد که محیط‌زیست بیش از این، عرصه بازی آنها نیست.» «اثرات مخوف زمین‌خواری و تخریب محیط‌زیست در بالاترین سطح عدالت کیفری به رسمیت شناخته شده است و اکنون عاملان بخش خصوصی برای نقششان در تصرف غیرقانونی زمین، نابودی جنگل‌های انبوه و مسموم‌سازی منابع آبی می‌توانند محاکمه شوند».

حقوق‌دانان بین‌الملل می‌گفتند گستراندن قلمروی پرونده‌های دارای اولویت برای در برگرفتن زمین‌خواری تصدیق آن خواهد بود که نقض گسترده حقوق بشر در زمان صلح و به نام سود، به‌شدت جرایم جنگی سنتی است.

ریچارد راجرز، شریک شرکت حقوقی کیفری بین‌المللی^۱ می‌گوید: «این به‌خودی‌خود زمین‌خواری را جرم نمی‌سازد، اما اگر تصرف زمین منجر به اخراج جمعی اجباری گرد ممکن است به‌عنوان جرم علیه بشریت در نهایت مورد محاکمه واقع شود».

راجرز در پرونده‌ای که به نمایندگی از ۱۰ کامبوجی شکایتی به دیوان تسلیم کرده است که در آن حاکمان کشور، از جمله دولت و ارتش آن، مورد این اتهام واقع شده‌اند که از سال ۲۰۰۲ در راستای کسب ثروت و قدرت و از طریق زمین‌خواری و اخراج اجباری بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر مرتکب نقض‌های شدید حقوق بشر شده‌اند. او گفت: «کامبوج نمونه کاملی برای سیاست جدید دیوان می‌باشد که در چارچوب معیارهای جدید قرار می‌گیرد». او پیش‌بینی کرد این تغییر تأثیری بر مسیر دادوستد در برخی کشورها داشته باشد. «شرکت‌هایی که در برخی محل‌ها می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند در خطر مشارکت در جرایم علیه بشریت هستند. همچنین برخورد با زمین‌خواری برخی علل تغییرات آب و هوایی را نیز مورد بررسی قرار خواهد داد، چراکه جنگل‌زدایی نتیجه غالب زمین‌خواری است».

آن‌گونه که راجرز می‌گوید، تمرکز جدید دیوان می‌تواند دری بر تعقیب تغییر آب و هوایی بگشاید زیرا درصد زیادی از انتشار

2. Reinhold Golmetzer

۳. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: مرکز حقوق کیفری بین‌المللی

ایران در لینک: <http://www.icicl.org> تاریخ رویت ۱۳۹۹

1. Global Diligence

محیط‌زیست گردیده است. از دهه شصت به تدریج شاهد این بیداری ارزشمند هستیم. در خلال مباحثی که ارائه گردید پژوهش حاضر نشان می‌دهد بر اساس تعریف مورد شناسایی قرار گرفته از جرم بین‌المللی و واقعیت‌های بروز یافته از جرائمی که در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جرائم محیط‌زیستی شاهد هستیم، جرائم محیط‌زیستی در زمره جرائم بین‌المللی قرار می‌گیرند. تنها دلیل عملیاتی نشدن این موضوع نبود یک عزم جدی بین‌المللی جهت اجرایی ساختن آن است. همان‌طور که ذیل تیتیر دو پژوهش استدلال گردیده در حوزه بین‌الملل چنانکه باید در خصوص جرائم محیط‌زیستی جرم انگاری نشده، تنها محکمه کیفری در حوزه بین‌الملل بنام دیوان بین‌الملل کیفری صلاحیت تصریحی جهت رسیدگی به این جرائم را ندارد و محاکم داخلی نیز از عهده این کار بر نمی‌آیند. باید بر اساس تصریحات اساسنامه رم ۱۹۹۸ و دیگر اسناد بین‌المللی خاصه کنفرانس ریو + ۲۰، جرم محیط‌زیستی به‌عنوان جرم بین‌المللی مورد شناسایی قرار گیرد تأسیس برای رسیدگی به آن تدبیر شود.

همان‌طور که در خلال پژوهش خاصه ذیل تیتیر چهار استدلال گردید توسعه پایدار در گرو محیط‌زیست ایمن و پایدار است، بدون توجه به ضرورت‌های محیط‌زیستی نمی‌توان توسعه منطقی در حوزه صنعت و دیگر زیرساخت‌های اقتصادی برنامه‌ریزی کرد. به همین خاطر است که به تبع بیداری‌های بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست حقوق داخلی کشور متحول شده و با تعریف سطوح مختلف استاندارد و ایزوهای متعدد توسعه را متناسب با اقتضائات محیط‌زیستی همراه و همخوان کرده‌اند. در عرصه توسعه پایدار نیز که نقطه تعامل و تعادل جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست است بدون توجه به جرائم محیط‌زیستی و تعریف مجازات بازدارنده نمی‌توان یک توسعه مناسب و متناسب را رقم زد.

آگاهی عمومی نسبت به بحران‌های محیط‌زیستی با همکاری‌های بین‌المللی گسترده در این خصوص توأم شده و به نوبه خود باعث شکل‌گیری این نگرش مشترک گردیده که دولت‌ها و حتی افراد خصوصی برای جلوگیری از خطرات سنگین و احتمالی ناشی از تخریب محیط‌زیست که می‌تواند زندگی و حق داشتن محیط‌زیست سالم و امنیت آنان را

دیده شود. خیلی‌ها معتقدند محیط‌زیست پایدار در گرو یک توسعه پایدار بروز پیدا می‌کند اما برعکس ما معتقدیم توسعه پایدار در گرو محیط‌زیست پایدار است. اگر ما محیط‌زیست و ضرورت‌های آن را مراعات نماییم هرگز به توسعه پایدار دست پیدا نخواهیم کرد. از کنوانسیون ۱۹۹۲ ریو و بعد از آن کنوانسیون ریو + ۲۰ که در ۲۰۱۲ برگزار شد مفهوم توسعه پایدار با محیط‌زیست گرده خورده و قابل تفکیک از یکدیگر نخواهد بود. به تبع کنوانسیون‌های محیط‌زیستی بین‌المللی، حقوق داخلی کشورها توسعه‌یافته و در عرصه‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و تأسیس صنایع بدون تعریف پیوست محیط‌زیستی مجوز صادر نمی‌شود. یا برای کنترل کم و کیف آلاینده‌های محیط‌زیستی، سطوح مختلفی از استاندارد و ایزو در قالب آیین‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل تعریف‌شده تا توسعه را با ضرورت‌های محیط‌زیستی متعادل سازند.

توسعه پایدار ایجاد تعادل میان توسعه و محیط‌زیست است. توسعه پایدار به‌عنوان اصلی‌ترین شاخصه رشد نقطه تعادل حقوق جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست است و در یک کلام بدون توجه به محیط‌زیست و ضرورت‌های آن توسعه پایدار بی‌مفهوم است.

توسعه پایدار با چالش‌هایی در سطح جهانی مواجه است که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها تقابل میان توسعه و محیط‌زیست است (Dabiri & khalatbari, 2018)؛ اما به همت فعالان محیط‌زیستی، در عرصه بین‌الملل اسنادی به ثبت رسیده که این چالش‌ها را تعیین تکلیف کرده است. کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲، اعلامیه ریو ۱۹۹۲، اعلامیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و اعلامیه ریو + ۲۰ تحت عنوان محیط‌زیست و توسعه با شعار آینده‌ای که ما می‌خواهیم و ده‌ها سند دیگر به روشنی تصریح کرده که توسعه پایدار در گرو محیط‌زیست ایمن و پایدار است. بدیهی است برای این تحقق توسعه مفهوم جرائم بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی با هدف حفظ حقوق محیط‌زیست ناگزیر و غیرقابل انکار است.

بحث و نتیجه‌گیری

افزایش آگاهی‌های عمومی به تبع تلاش فعالان محیط‌زیستی که به طرق مختلف خاصه در حوزه آموزش صورت گرفته است، منجر به یک بیداری ارزشمند نسبت به ضرورت حفاظت از

ریو «دسترسی به سیستم اداری و قضایی کارآمد را که شامل مکانیسم‌های جبران خسارات محیط‌زیستی می‌شود، امری الزامی می‌داند.» در این زمینه «دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست» می‌تواند به‌طور مؤثر مسائل بین‌المللی و اختلافاتی که مربوط به از بین بردن منابع محیط‌زیستی کره زمین از جمله گازهای گلخانه‌ای و شکاف در لایه ازن، تغییر اقلیم، ریختن فاضلاب‌ها به دریاها، استفاده از انرژی هسته‌ای و مواد شیمیایی مضر، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی و آلودگی‌های اتمسفر و اقیانوس‌ها است را بررسی و حل‌وفصل کند.

گرچه به نظر می‌رسد هنوز جامعه جهانی آمادگی کامل برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی محیط‌زیست را ندارد، در سطح جهانی نیاز به چنین دادگاهی که در راستای ایجاد وحدت حقوقی و بالا بردن امکان دسترسی به اطلاعات محیط‌زیستی در زمینه مسائل قضایی جهانی عمل کند، احساس می‌شود. با تأسیس این مرجع جهانی می‌توان حمایتی گسترده را چه از جهت مسئولیت کیفری بین‌المللی چه از جهت مسئولیت مدنی بین‌المللی اعمال کرد و از شکل‌گیری جرائم محیط‌زیستی که می‌توانند بزرگ‌ترین تهدید علیه مسلم‌ترین حق بشری یعنی «حق حیات» باشند جلوگیری و خسارات وارده به آن را جبران کرد. از آنجاکه جبران کامل خسارات محیط‌زیستی عمده‌تاً ناممکن است، باید علاوه بر ایجاد دادگاهی خاص و مستقل در این زمینه، از سازوکارهای بازدارنده در جهت جلوگیری از ارتکاب این جرایم استفاده کرد. این کار جز از طریق تصویب و تدوین قوانین مدون و سازمان‌یافته و دسترسی به اطلاعات علمی در ارتباط با قوانین ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست، امکان‌پذیر نیست. در نتیجه لازم است در این زمینه همکاری‌های بین‌المللی گسترده انجام گیرد. تجربه جامعه بین‌المللی در ایجاد مراجعی چون دیوان بین‌المللی کیفری نشان می‌دهد که تأسیس دادگاه بین‌المللی برای «طبیعت» ممکن است سال‌ها به طول انجامد، اما شدنی است. چنین دادگاهی جامعه بین‌المللی را مجبور خواهد کرد تا نسبت به کاهش گازهای گلخانه‌ای اقدام نماید و کمتر سبب نابودی زیبایی‌های طبیعت و ناقص «حق داشتن محیط سالم» شوند.

در نهایت، ضرورت افزایش آگاهی‌های عمومی و توسعه آموزش محیط‌زیست، جرم‌انگاری در حوزه محیط‌زیست، تعریف مجازات بازدارنده و تعریف محاکم اختصاصی داخلی و

تحت‌الشعاع قرار دهد، به‌عنوان یک «قاعده آمره^۱» حقوق بین‌الملل، خود را متعهد بدانند. در کنفرانس جهانی حقوق بشر سال ۱۹۹۳ که بیش از ۱۰۰ کشور در آن حضور داشتند اعلام شد تخلیه غیرمجاز فاضلاب‌های سمی، «حق حیات» افراد بشری را به‌طور جدی تهدید می‌نماید همچنین عرف بین‌المللی نیز مقرر می‌نماید که حقوق داخلی باید با قواعد بین‌المللی مربوط به مسئولیت مدنی یا کیفری ناشی از تخریب محیط‌زیست هماهنگی لازم داشته باشد. در همین راستا، در سال‌های اخیر عرف موجود بین دولت‌ها، موافقت‌نامه‌های دوجانبه، آراء و احکام محاکم بین‌المللی و عملکرد متحدالشکل دولت‌ها، چه در زمینه حقوق بین‌الملل و چه در زمینه حقوق داخلی، برای متعهد کردن دولت‌ها و شهروندان‌شان به حفظ و حمایت از محیط‌زیست و ایجاد قواعد حقوقی الزام‌آور، در راستای حمایت از حق بشری داشتن محیط‌زیست سالم، مؤثر بوده است. به‌عنوان مثال تاکنون دولت‌ها حدود ۳۵۰ معاهده چندجانبه و ۱۰۰۰ معاهده دوجانبه را در راستای حمایت از محیط‌زیست تدوین نموده‌اند و نزدیک به ۶۰ کشور در قوانین اساسی خود انواع قواعد الزام‌آور حمایت از محیط‌زیست یا دیگر مسائل حقوقی مربوط به حقوق محیط‌زیست را گنجانده‌اند. نمونه بارز آن جمهوری اسلامی ایران است که این امر را در اصل ۵۰ قانون اساسی خود پیش‌بینی کرده است.

با این حال، بدون وجود قلمرو مشخص و تعریف‌شده و مدون از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، این‌گونه تعهدات حمایت از محیط‌زیست، نامشخص و مبهم باقی‌مانده و روند ایجاد اصولی که برای دولت‌ها و افراد تضمین‌کننده حمایت از محیط‌زیست و حفظ حقوق بنیادین بشر است، متوقف و نهایتاً در این راه وجود مسئولیت برای دولت‌ها و افراد خصوصی عقیم می‌ماند؛ بنابراین، نیاز به یک سیستم قضایی بین‌المللی کارآمد و متمرکز که به‌وسیله آن بتوان از این حقوق اساسی و عرفی بین‌المللی به‌طور جدی حمایت کرد، کاملاً احساس می‌شود. بدیهی است این مهم جز با توسعه مفهوم جرایم بین‌المللی به جرائم محیط‌زیستی میسر نخواهد شد. در این صورت یا محکمه اختصاصی بین‌المللی محیط‌زیست ایجاد خواهد شد و یا رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار خواهد گرفت. اصل ۱۰ اعلامیه ۱۹۹۲

گروه آن‌هاست.

بین‌المللی و از همه اینها مهم‌تر توسعه آموزش محیط‌زیست و نهادینه کردن این توسعه، از مهماتی است که توسعه پایدار در

References

- Communication No. 67/1980. 2 Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional protocol 20, U.N. Doc CCPR/C/OP/2 (1990).
- Dabiri, F., Khalatbari, Y. (2018). "Achieving Sustainable Development from the Perspective of International Environmental Law", *Quarterly Journal of Man and Environment*, 44, 63-73. [In Persian]
- Droudian, H. R. (2006). "Fire in Golestan", *Jamjam newspaper*, No. 1795, seventh year, Sunday, August 20th. [In Persian]
- <http://www.icj-cij.org/docket/files/95/7495.pdf>
- Human Rights Council (A.HRC.12.48), 25.Sep.2009, op.Cit. Paris. 1832-1833
- Jalali, Mahmoud.(2009)." Establishment of the International Court of the Environment and its Problems", *Law Journal*, 39(1), Page 64. [In Persian]
- Jalalian, A.(2015). International Environmental Law, Tehran: Dadgostar Press. [In Persian]
- Jalalian, A.(2015)."Inadequacy of International Law and International Environmental Law in Protection of the International Environment", *Strategy Quarterly*, 24(75), p. 25. [In Persian]
- Jalalian. A. (2012)." Responsibility between Zionist regime for violating international environmental law in the 22-day conflict in Gaza", *Strategy Quarterly*, 65, 93-128. [In Persian]
- Kittichaisaree, K. (2004). International Criminal Law, translated by Behnam Yousefian and Mohammad Ismaili, Tehran: Samat Publishing.
- Lavasani, A. (1993). International Environment Conference in Rio, First Edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publishing Institute, p. 157. [In Persian]
- Mousavi, S.F. (2006). The evolution of sources of international environmental law, Tehran: Mizan Publishing, p.93. [In Persian]
- Murphy S. D. (1994). "Prospective Liability Regimes for the Trans-boundary Movement of Hazardous Wastes" 88 AJIL 38-41.
- Principles on the Effective Prevention and Investigation of Extrajudicial Arbitrary and Summary Executions (Economic and Social Council Resolution, 1989.65 Annex)
- Roy Britt,R. (2001)"Global Environmental court could punish U.S. and Others" 1 December 2008, <http://www.livescience.com/environment/081201-environment-court.html>.
- Sorrell, J.M.(2001). "International Criminal Court", Translator: Seif Afjeh, Masoumeh; *Journal of Foreign Policy*, 59, p. 829. [In Persian]
- The Principles on the Effective Investigation and Documentation of Torture and other Cruel Treatment (General Assembly Resolution, 55.89 Annex)
- Trail S. (1994). the Columbia river and the Extraterritorial application of CERCLA, http://findarticles.com/p/articles/mi_qa3970/is_200510/ai_al15746168, viewed 5 January 2005 and Kuhn Arthur K., "The trail smelter arbitration United States and Canada". *The American journal of international law*. 32(4) (Oct. 1938),785-788.
- UN ESCOR, 46th Sess. at 8, UN Doc.E/CN.4/Sub.2/1994/9(1994)
- Vidal, J.,And Boukat, O. (2016). "Extending the Jurisdiction of the International

Criminal Court to Environmental Crimes”,
Guardian on September 15, 2016, taken
from: International Criminal Law Center

of Iran at: [http://www.icicl.org/
details.asp?id=441](http://www.icicl.org/details.asp?id=441). [In Persian].